

📖 **نقد کتاب** رامین جهان‌پور

نگاهی به رمان «آن مرد در باران رفت»

یک فضاسازی دقیق



رمان «آن مرد در باران رفت» نوشته مهناز محمدخانلو شروع محکمی دارد. در همان صفحه اول، مخاطب متوجه این نکته می‌شود که می‌توان به ادامه داستان اعتماد کرد و آن را تا پایان خواند. داستان با این مونولوگ شروع می‌شود: «صدای اعصاب خردکن این سگ هیولانما نملمی

ندارد. انگار، پس کی قرار است خُناق بگیرد...».
راوی داستان استاد دانشگاه به نام دکتر خسرواست که داخل یک برج بزرگ در شمال شهر تهران با همسر و فرزندانش زندگی می‌کند. خسرو در یک صبح سرد زمستانی که قرار نیست به دانشگاه برود، کلافه و بی‌خواب با صدای پارس سگ یکی از همسایه‌ها، با خودش حرف می‌زند: «بهباز کجایی تا ببینی این برج کم سروصدا و دنج و آرامی که برایم اجاره کردی چطور شده سوهان روح و اعصابم. آن از رفت و آمدهای وقت و بی‌وقت، این هم از مهمانی‌های پرسروصدا...». خسرو در شروع داستان حین اینکه شرایط سخت خودش را در محلی که به آنجا تعلق خطری ندارد، توصیف می‌کند، با یادآوری گذشته، مروری بر زندگی بهیروز و خودش از کودکی تا میانسالی دارد. داستان در دهه ۱۳۹۰ خورشیدی اتفاق می‌افتد و مکان داستان هم تهران است.

خسرو که الان دیگر مرد میانسالی شده در مونولوگ‌هایی که بیان می‌کند دو با مخاطب دارد؛ اولی بهیروز است، برادر ناتنی و صمیمی ترین دوست او در دوران کودکی که گذشته پر فراز و نشیب و تلخ و شیرینی را بهم در خرمشهر زمان جنگ داشته‌اند. آنها در زمان جنگ دو کودک بودند که زیر یک سقف زندگی می‌کردند. مخاطب دوم خسرو هم خواننده کتاب است که آنچه از کودکی تا به حال بر او و بهیروز و خانواده گذشته را برایش روایت می‌کند. خسرو و بهیروز در اولین روزهای جنگ خانه‌شان مورد اصابت بمب‌های دشمن قرار می‌گیرد و خانواده‌شان به شهادت می‌رسند و آنها بعد از در به‌دری‌ها و آوارگی‌های فراوان سر از تهران درمی‌آورند، در آنجا به دانشگاه می‌روند و ازدواج می‌کنند. داستان «آن مرد در باران رفت» در واقع گذشته و حال دو شخصیت کلیدی است که برای مخاطب تشریح می‌شود. داستان به شیوه فلاش‌بک در جریان است و نویسنده به درستی از شیوه سیسال ذهن در داستان استفاده کرده است. اگر چه روایت نویسنده سراسرت و خطی نیست اما واضح است که باطریقه نگارش داستان‌های سیسال ذهن آشنایی کامل دارد، بدون اینکه با پیچیدگی‌ها و ابهام‌های بیپرده در پرداخت، مخاطب را به بیراهه ببرد و علاوه بر این، داستان مروری است به جنگ هشت

ساله و مهاجرت جنگ‌زده‌ها و نگاهی هوشمندانه به زندگی‌های مدرن و سنتی آدم‌هایی که بین برزخ مدرنیته و سنت گیر کرده‌اند. در داستان به توصیفات نوستالژیکِ برمی‌خوریم که دقت و خلاقیت نویسنده را در فضاسازی نشان می‌دهد، مثل این جمله‌ها: «بوی چوب سوخته با بوی خنک برف در آمیخته بود» یا هنگامی که از کودکی می‌گوید: «بهباز، یادت هست زیر پتوی قهوه‌ای پلنگی دراز کشیده بودیم و از گرم‌های علاءالدین مست بودیم؟»

با این تفصیل در گوشه و کنار رمان، گاهی نویسنده در پرداختن دچار لغزش‌هایی می‌شود، مثلا فصل سوم کتاب این گونه شروع می‌شود: «ساعت ۶ بعدازظهر است، البته که این ساعت برای دی ماه یا از روزهای کوتاهش، دیگر شب محسوب می‌شود. (تا اینجا زبان داستان اول شخص حال است) اما در ادامه نویسنده یکپه تغییر مسیر می‌دهد و زاویه دیدش عوض می‌شود و به سوم شخص مقرر گذشته برمی‌گردد: «از دانشگاه که برگشتم حمام کردم، ته ریش دو سه روزه را تراشیدم و یکی از بهترین لباس‌های را به تن کردم...». این تغییر در شیوه روایت در فصل‌های دیگر کتاب هم گاه به چشم می‌خورد و باعث می‌شود پرداخت داستان نامنسجم جلوه کند. یکی دیگر از ویژگی‌های این داستان نویسنده آن است. نویسنده داستان گرچه مرد نیست اما با مهارت کامل از خصوصیات و روحیات یک مرد حرف می‌زند و اگر اسم نویسنده روی جلد کتاب دیده نمی‌شد، نمی‌توانستیم زن بودن نویسنده را تشخیص دهیم. رمان «آن مرد در باران رفت» در ۶۶۵ صفحه توسط انتشارات نظری منتشر شده است.

📖 **دیده‌بان**

بهروز شعبی فیلم جدیدش را کلیدزد

بهروز شعبیی ساخت فیلم سینمایی جدید خود را با نام «**بدون قرار قبلی**» آغاز کرد.

به گزارش «جوان» به نقل از روابط عمومی فیلم، فیلم‌برداری پنجمین فیلم سینمایی بهروز شعبی به تهیه‌کنندگی محمود بابایی به تازگی آغاز شده است. «بدون قرار قبلی» با نگاهی به داستانی از مصطفی مستور، تازه‌ترین ساخته بهروز شعبی است که در آن داستانی اجتماعی و تازه از روابط انسانی را دستمایه روایت خود قرار داده است. شعبی در حالی سراغ ساخت فیلم جدیدش رفته که «روز بلوا» چهارمین فیلم او که در بخش سودای سیمرح جشنواره سی‌وهشتم در سال ۱۳۹۸ شرکت داشت، هنوز فرصت اکران پیدا نکرده است.

📖 **سینما**

ماز تین اسکورسیزی:

هنر سینما به طور سیستماتیک افول کرده و بی‌ارزش شده است

زمانی بر فرم هنری فوق‌العاده سینما سلطنت می‌کردند در نهایت با گذر زمان در سایه‌ها گم شدند. اکنون نمی‌توانیم روی تجارت فیلم برای نگهداری از سینما حساسی باز کنیم و تنها افرادی از بین ما که در باره سینما و تاریخ آن می‌دانند، باید این عشق و دانش را افراد بیشتری به اشتراک بگذارند. وی نوشت: همین ۱۵ سال پیش، اصطلاح محتوا فقط هنگامی که مردم در مورد سینما در سطح جدی بحث می‌کردند شنیده می‌شد و با فرم مقایسه و اندازه‌گیری می‌شد، سپس به تدریج، بیشتر و بیشتر توسط افرادی که شرکت‌های رسانه‌ای را تصاحب می‌کردند، استفاده می‌شد که

بیشتر آنها هیچ چیزی در مورد تاریخچه فرم هنری نمی‌دانستند. این کارگردان اسکاری هالیوود در ادامه افزود: هنر سینما به طور سیستماتیک افول کرده، به حاشیه رانده شده و بی‌ارزش شده و به پایین‌ترین سطح خود که همانا ایجاد «محتوا» محسوب می‌شود، تنزل یافته است. اسکورسیزی در مورد تجربه «Vita Dolce» (زندگی شیرین محصول ۱۹۶۰) از فیلینی می‌نویسد: اینجا هنر مندی بود که توانسته بود اضطراب دوران سلاح‌های هسته‌ای را بیان کند؛ این‌جس که دیگر واقعا هیچ چیز مهم نیست، زیرا همه چیز و همه در هر لحظه می‌توانند نابود شوند. ما این شوک را احساس کردیم، همچنین هیجان عشق فیلینی به هنر سینما را احساس کردیم و به تیغ آن، عشق به خود زندگی. اسکورسیزی در انتقادات خود از سینمای حال حاضر هالیوود خواستار بازسازی این صنعت است، حتی با علم به اینکه تجارت فیلم اکنون تجارت سرگرمی بصری گسترده و مسلط جهان است.

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سر دبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
قطاعات میزبای شیرازی، پلاک ۲۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۰
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نامبر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴۴
تولیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۱۵۱ | شنبه ۲ اسفند ۱۳۹۹ | ۸ رجب ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۲:۱۸ | غروب آفتاب: ۱۷:۵۱ | اذان فردا: ۰۵:۲۶ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۴۴

در گفت‌وگوی «جوان» با هماهنگ‌کننده اجراهای سرود موسیقی فجر مطرح شد سرود به دنبال جایگاه خود در موسیقی فجر

هیچ استراتژی‌ای در حوزه موسیقی و برگزاری جشنواره فجر وجود ندارد

و در حوزه سرود بیش از اینکه با مشکلات روبه‌رو باشیم با نداشتن برنامه‌ریزی مواجهیم



■ **محمدصادق عابدینی**

سی‌و‌چهارمین جشنواره موسیقی فجر در حال برگزاری است، در بخش جنبی این جشنواره برای اولین بار سه گروه سرود شرکت دارند و به اجرای کار می‌پردازند. حضور گروه‌های سرود این‌می‌توان نقطه عطفی در جشنواره موسیقی فجر دانست.

«جوان» در گفت‌وگو با شهروز حقی، هماهنگ‌کننده اجراهای سرود جشنواره موسیقی فجر و فعال سابقه حوزه موسیقی و سرود، به موضوع اهمیت حضور سرود در جشنواره فجر پرداخته است.

امسال اولین حضور گروه‌های سرود را در جشنواره فجر شاهد هستیم. چرا حضور گروه‌های سرود در جشنواره، رقابتی نیست؟

تا جایی که من اطلاع دارم در سال‌های گذشته نیز حضور گروه‌های سرود مطرح شده بود و حتی سال پیش دفتر موسیقی به دنبال موضوع بود و حتی اقداماتی را برای همکاری بسنج هنرمندان انجام داد که به نتیجه نرسید. امسال به خاطر مسائل کرونا جشنواره دچار تغییرات زیادی شده است و به صورت خیلی محدود برگزار می‌شود. اجرای گروه‌های سرود نیز در

بخش جنبی دیده شد. با وجود اینکه موسیقی انقلاب عملا با تولید سرود متولد شد، چرا جشنواره فجر نزدیک چهار دهه دیر به فکر سرود افتاد؟

جشنواره فجر، رویدادی همه‌جانبه است، یعنی باید همه انواع موسیقی را تحت پوشش قرار دهد. به عنوان کسی که در حوزه موسیقی فعال است و سرود را به عنوان علاقه شخصی از دوران دبستان یعنی اواخر دهه ۶۰ دنبال کرده و کارهای زیادی نیز در حوزه سرود انجام داده و حتی آلبوم سرود تولید کرده‌است، می‌گویم که دفتر موسیقی چندان با برخی حوزه‌ها از جمله سرود مانوس نیست. از سوی دیگر، وجود هاشمی، علی لاسرپی و امیرحسین مدرس، اینها را نام

📖 **حکمت**

امام علی(ع):

حق، شمشیر بُرّنده‌ای است بر ضد اهل باطل.

عبودن الحکم والمواظف، ص ۲۸



📖 **گفت‌وگو**

جواد انصافی در گفت‌وگو با «جوان»:

هنر نمایش باید ریشه در فرهنگ و سنت‌های مردم داشته باشد

حرف‌های عمیق و مهم را هم می‌شود با زبانی ساده مطرح کرد تا برای مخاطب قابل درک و فهم باشد وگرنه اینکه با کلمات قلمبه‌سلمبه بخواهیم اظهار فضل کنیم به درد جذب مخاطب نمی‌خورد

■ **نوبد پارسا**

نمایش‌های سنتنی و آیینی برگرفته از فرهنگ، آیین و بوم مردم ایران است و مردم به این نمایش‌ها علاقه دارند، چون اصالت دارند و چه خوب می‌شود که اگر

چنین نمایش‌هایی وارد فضای هنرهای مدرن شوند. جواد انصافی، بازیگر باسابقه و فعال نمایش‌های آیینی با بیان این مطلب به «جوان» گفت: دردل و حرف مردم را باید در قالب هنر بیان کرد و هر چقدر شخصیت‌های نمایشی به مردم نزدیک‌تر باشند، بهتر است. این وظیفه تلویزیون و سینماست که سعی کنند این درد‌ها را بازتاب دهند.

انصافی افزود: نکته مهم نمایش‌های اصیل ایرانی، ساده‌گویی در نمایش‌هاست که از استعاره‌گویی و در لفافه‌بار زدن پرهیز می‌شود، مثلا خیلی ساده و رک شخصیت سیاه در نمایش می‌گوید بنزین را دارند گران می‌کنند و مردم هم از این ساده‌گویی و عدم سیاست‌بازی هنرمند خوششان می‌آید. این ساده‌گویی عمیق، باید به فضای نمایشی سینما و تلویزیون هم راه یابد.

جواد انصافی گفت: خودم نزدیک دو سال نمایش «جوحی کدخدا» را در تالار سنگلج اجرا کردم و تقریبا از هر قشر مخاطبی با هر سن و سالی به دیدن نمایش آمدند و دلیل این هم فقط ساده کردن زبان نمایش بود.

بازیگر نمایش «آدم آهنی» تأکید کرد: معتقدم حرف‌های عمیق و مهم را هم می‌شود با زبانی ساده مطرح کرد تا برای مخاطب قابل درک و فهم باشد، وگرنه اینکه با کلمات قلمبه سلمبه بخواهیم اظهار فضل کنیم به درد جذب مخاطب نمی‌خورد.

جواد انصافی با یادآوری یکی از خاطرات خود عنوان کرد: در یکی از شب‌های اجرای یکی از نمایش‌های مردمی خودم، مرد کفاشی به همراه تمام خانواده‌اش به دیدن نمایش آمده بود و همچنان بعد از خاتمه نمایش با شور، عوامل را تشویق کردند که برای ما ماهه دلگرمی و خوشحالی بود و من شرمندانه آنها شدم که با وجود وسع کم مالی‌شان برای من هم گل

📖 **تلویزیون**

فرار مجری «سیم آخر» از اتهام کپی اسرائیلی

رشیدپور باور ندارد «سیم آخر» از «بوم» کپی شده



که در نهایت با تغییر آن به «سیم آخر» تلاش‌شان دین شباهت کمتر شود. در این مسابقه یک بمب ساعتی وجود دارد که شرکت‌کننده باید بر اساس پاسخ‌خ که به سؤال‌ها می‌دهد، سیم مربوط به پاسخ درست را قطع کند و در صورت اشتباه، بمب عمل می‌کند و رنگ بر سر و صورت شرکت‌کننده می‌باشد. گویا ایده این برنامه اسرائیلی به حال به چند کشور در قالب حق کپی‌رایت واگذار شده‌است، اما رشیدپور این برنامه را کپی کرده که با واکنش مجری برنامه «Boom» مواجه شده‌ است و او ابراز امیدواری کرده‌ این کار تنش‌ها بین ایران و اسرائیل را کاهش دهد، اما رشیدپور در ترجیح می‌دهد با تمسخر لو رفتن کپی‌کاری انجام شده به شعور مخاطب تلویزیون توهین کند.

رسانه‌های ایران هفته گذشته گزارشی را به نقل از تایمز اسرائیل منتشر کردند که در آن این رسانه رژیم صهیونیستی با انتشار گزارشی بخش مسابقه تلویزیونی «سیم آخر» را تقلیدی از مسابقه اصلی «بوم» (Boom) دانست که در سال ۲۰۱۴ از کانال ۱۲ تلویزیون اسرائیل پخش می‌شد.

📖 **نما حسین کشتکار**



■ **هادی عسکری**

تنها چند روز بعد از آنکه مشخص شد مسابقه «سیم آخر» شبکیه ۳ سیمیا کپی‌شده از یک مسابقه تلویزیون رژیم صهیونیستی است، رضا رشیدپور مجری «سیم آخر» در زمین اجرای این مسابقه پاسخ استهزا آمیزی به این ماجرا داد و کپی‌کاری در ساخت مسابقه «سیم آخر» را تکذیب کرد.

در دوره‌ای که مرتضی میرباقری معاون سیمیا بود و مسابقه استعداددایلی «عصر جدید» به تازگی روی آنتن شبکیه ۳ فته بود، معاون وقت سیما در پاسخ به سؤالی درباره کپی بودن «عصر جدید» از مسابقه معروف «امریکن گات تلنت» با دفاع از ساخت آن مسابقه، این کار را نه کپی‌کاری بلکه بومی‌سازی یک برنامه موفق عنوان کرد. این توجیه می‌توانست در جای خودش درست باشد، زیرا نمونه‌های مشابه «امریکن گات تلنت» در اغلب کشورها ساخته شده و الگوی تقریبا یکسانی در استعدادیابی شکل گرفته است. سازندگان «عصر جدید» نیز چندان روی اصالت برنامه و ایده ساخت آن پافشاری نداشته و جای آن تلاش کرده‌اند همان

در مقابل رشیدپور در دفاع از برنامه «سیم آخر» که در جزئیات کار هم کپی شده‌است، به جای قبول اشتباه (اگر بشود نام آن را اشتباه گذاشت) با فرار رو به جلو و سعی در فرافکنی روش غلطی را در پیش گرفته‌است.

مسابقه «سیم آخر» که ابتدا «جِمب» نام داشت، از مسابقه‌های اسرائیلی به نام «Boom» (همان صدای انفجار بمب) کپی شده‌است. سازندگان این برنامه هم در ابتدا نزدیک‌ترین نام ممکن را برای آن انتخاب کردند